



مک کنزی: موشک‌های ایران به تل‌آویو می‌رسد

فرمانده تروریست‌های سنتکام با اشاره به قدرت موشکی ایران گفت برخی موشک‌های بالستیک ایران ممکن است به تل‌آویو برسد.
کنت مک کنزی، فرمانده تروریست‌های سنتکام در یک سخنرانی در نشست کمیته نیروهای مسلح در مجلس سنای آمریکا گفت: ایران ۳۰۰ موشک بالستیک از انواع مختلف

پرتره نگاری

فداکاری‌های یک رئیس‌جمهور



عباس سلیمی‌نمین

مدیردفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران

سید ابراهیم رئیسی، سکان هدایت دولت سیزدهم را در شرایطی به دست گرفت که ۱۰سال پیش از آن ضعف‌ها و ایرادات فراوانی در دولت‌های آقایان احمدی‌نژاد و روحانی رخ نمود و طبیعی بود که به همین واسطه مشکلات عدیده و مطالبات انباشت شده‌ای پیش روی این دولت باشد اما با توجه به رویکردهایی که دولت سیزدهم در پیش گرفت به نظر می‌رسد قوه مجریه در مسیر کاستن از این انباشت مطالبات قرار دارد. برخی از مطالبات مثل تهیه واکسن و تسریع در روند واکسیناسیون، بسیار فوری و عاجل بود که با ابتکارگری و فداکاری شخص رئیس‌جمهور حل شد. از آن جهت می‌گویم ایثار و فداکاری که رئیس‌جمهور در چنین شرایطی از جان خود نترسید و به‌ویژه در زمان اوج و فراگیری بیماری کرونا در میدان‌های پرخطراره وارد شد و خوشبختانه خداوند هم یاری کرد و در مجموع دولت بر این مشکل بسیار حاد و نگران‌کننده فائق آمد. در حوزه‌های دیگر هم ورود رئیس‌جمهور بسیار جدی بود. برخی استان‌ها درگیر مشکلات زیادی بودند و رئیس‌جمهور با حضور در این مناطق توانست اقداماتی را صورت بدهد که در نتیجه آن هموطنان ما در استان‌های دیگر تا حدود زیادی از آن شرایط بغرنج خلاصی پیداکنند. امید است همین روحیه تا انتهای فعالیت دولت از سوی رئیس‌قوه مجریه و دیگر کارگزاران دولت برای حل مسائل اساسی‌تر حفظ شود و در عین حال معتقدم دولت از روحیه خوبی برای کار و تلاش برخوردار است اما طبعاً برای حل موضوعات پیچیده‌تر نیازمند مشورت بیشتر و استفاده از افرادی متخصص و توانمند است تا بتوانند بر مشکلات معیشت مردم از طریق برنامه‌ریزی‌های میان مدت و بلند مدت چیره شود. یکی از مشکلات پیش روی دولت بحث مذاکرات وین است که ابعاد مختلفی دارد. از یک سو دشمنی قرار دارد که می‌خواهد در چارچوب این توافق هر چه بیشتر ما را از دانش و توسعه صنعت هسته‌ای محروم کند یا به تعویق بیندازند.

از سوی دیگر سیاست نظام این است که از طریق مذاکره، دشمن را در تنگنا قرار دهد که البته باید گفت سید ابراهیم رئیسی و دولت او در این زمینه کار سختی را در پیش دارد، چون دشمن ابزارهای تبلیغاتی گسترده‌ای دارد و از نفوذ بالایی در سازمان‌های مختلف بین‌المللی برخوردار است و می‌تواند از این ابزارها استفاده کند. با این وصف دولت سیزدهم و شخص ابراهیم رئیسی معتقد به بحث مذاکره است و می‌شود با استفاده از ابزارهای دیپلماسی زمینه‌ساز رفع تحریم‌های ظالمانه آمریکا باشد. نوع نگاه دولت سیزدهم مبتنی بر دیدگاه‌هایی است که سید ابراهیم رئیسی قبل و بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری بر آن تأکید داشت و معتقد بود در کنار مداوم گفت‌وگوهای سیاسی درباره برجام، باید برای حل مشکلات مردم و بهبود شرایط اقتصادی کشور کوشید. در عین حال باید به این نکته هم اشاره کرد که رئیس‌جمهور در حوزه‌های داخلی هم با مشکلاتی مواجه است. حضور برخی عناصر سیاسی که چندان فهمی از حکمرانی ندارند و نگاه‌های آنها به مسائل سیاسی کاملاً کلشیه‌ای است در حوزه توافق هسته‌ای اظهاراتی بیان می‌کنند که با هیچ منطقی سازگار نیست. مجموعه این واکنش‌ها و اظهارنظرها یکی از مشکلات پیش روی رئیسی و دولت سیزدهم است. به نظر من دولت حتماً باید در برابر آنها به صورت منطقی و اناعنی برخورد کند و برای این مهم دولت باید نیروهای فرهنگی و رسانه‌ای خود را تقویت کند.



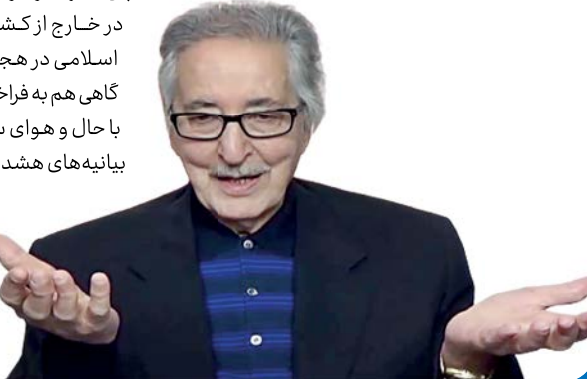
مردی در آینه کیش شخصیت



فتاح غلامی

روزنامه‌نگار

یکی از آثار معروف ابوالحسن بنی‌صدر کتاب «کیش شخصیت» است که به موضوع چهره‌سازی و خودشیفتگی نخبگان و خواص می‌پردازد. شاید زمانی که او در حال نوشتن این کتاب بود گمان نمی‌کرد به عنوان نماد برجسته این انحراف در جامعه ایرانی شناخته شود. ابوالحسن بنی‌صدر متولد ۲ فروردین ۱۳۱۲ و دانش‌آموخته رشته حقوق اساسی و اقتصاد از دانشگاه تهران بود. فعالیت‌های سیاسی او قبل از انقلاب به عضویت‌اش در جبهه ملی دوم برمی‌گردد. او به واسطه این‌که از سوی ماموران رژیم شاه تحت تعقیب قرار گرفت به فرانسه عزیمت کرد. اقامت وی در فرانسه شرایطی برای بنی‌صدر فراهم آورد تا با یاران امام ارتباط نزدیک‌تری پیدا کند. وی بعد از بازگشت به ایران همچنان چهره‌ای ناشناخته برای مردم بود اما بعد از گذشت سه روز از ورودش به ایران سلسله سخنرانی‌هایی در دانشگاه صنعتی شریف داشت که ۱۰ روز به طول انجامید. از این پس او در لباس یک روشنفکر دینی ظاهر شد و این گونه الفا می‌کرد که می‌تواند با استفاده از مفاهیم و مضامین قرآنی و اسلامی پیوندی با دنیای متمدن غرب برقرار کند. همه این عوامل باعث شد که او به عنوان یکی از چهره‌های مطرح برای انتخابات اولین دوره ریاست‌جمهوری شناخته شود و گوی سبقت را از دیگر رقبا بریاید. او به رغم این‌که مناصب مهمی داشت اما همیشه از نبود اختیارات کافی و قانونی برای پیشبرد امور گلایه داشت و عموماً سران حزب‌جمهوری و نهادهای انقلاب را متهم به کارشکنی می‌کرد. مهم‌ترین چالش رئیس‌جمهور و مجلس بر سر انتخاب نخست‌وزیر بود که بعد از فراز و نشیب‌های فراوان سرانجام محمدعلی رجایی از مجلس رای اعتماد گرفت. اما از همان ابتدا مشخص بود که بنی‌صدر، نخست‌وزیری رجایی را به یک انتخاب تحمیلی از سوی مجلس می‌داند و بنای همکاری ندارد. اوج اختلافات در نهایت در مراسم ۱۴ اسفند ۱۳۶۰ جلوه کرد و هواداران بنی‌صدر با اشاره او به صف مخالفان یورش بردند و اقدام به ضرب شتم آنان کردند. این حادثه به دخالت امام و تعیین هیات سه نفره حل اختلاف منجر شد که در نهایت محکوم این دآوری بنی‌صدر بود و این وضعیت بکمکم زمینه‌های سقوط بنی‌صدر را فراهم کرد و کمی بعد با تصمیم امام از مقام فرماندهی کل قوا عزل و متعاقب آن رای عدم‌کفایت سیاسی او نیز توسط مجلس صادر شد. این مساله قرار او به همراه مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق را در پی داشت. بنی‌صدر در فرانسه، محل اقامت فعلی خود دست از فعالیت علیه‌جمهوری اسلامی بر نداشت. وی خود را رئیس‌جمهور قانونی می‌خواند و رای مجلس را در خصوص عدم‌کفایت سیاسی کودتا می‌دانست. او از جمله کسانی بود که در تشکیلات شورای مقاومت به همراه مسعود رجوی و دیگر مخالفان نظام جمهوری جزو اعضای موثر و مؤسس بود. از دیگر اقدامات او علیه‌جمهوری اسلامی حضور در دادگاه فرانسه جهت رسیدگی به اتهام فردی به نام رضا مهدی در رابطه با ترور سیروس الهی بود. وی در این دادگاه به عنوان شاهد اتهاماتی در علیه سران جمهوری اسلامی وارد کرد. اما روند برگزاری جلسه چندان به مذاق او خوش نیامد و رأی دادگاه مطابق با برداشت و تفسیر او نبود. به همین خاطر وی مسؤولان قضایی فرانسه را متهم به سهل‌انگاری کرد. او فعالیت‌های مطبوعاتی خود در خارج از کشور را سرگرفت و انقلاب اسلامی در هجرت را منتشر می‌کرد هر از گاهی هم به فراخور مقتضیات روز و مناسب با حال و هوای سیاسی کشور، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های هشدارگونه‌ای را منتشر می‌کرد و مشروعبیت نظام را زیر سؤال می‌برد.
ابوالحسن بنی‌صدر در ۱۷ مهر ۱۴۰۰ در سن ۸۸ سالگی از دنیا رفت.

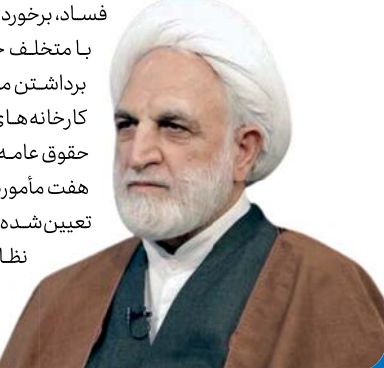


قاضی تحول خواه

در ۱۰ تیر ۱۴۰۰ طی حکمی از سوی رهبر انقلاب، حجت الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای به عنوان رئیس جدید قوه قضاییه منصوب شد. محسنی اژه‌ای سابقه طولانی در دستگاه قضایی دارد و همچنین در مقاطعی مهم مسؤولیت‌های مهمی در امر قضا داشته است. او از دل قوه قضاییه برآمده و علاوه بر مسؤولیت‌های قضایی درحوزه اجرا هم مدتی به عنوان وزیر اطلاعات به ایفای نقش پرداخته است. برگزاری دادگاه‌های مهم اقتصادی، صراحت و شفافیت در عملکردها، برخورد مناسب با اهالی رسانه، پاسخگویی و... از جمله ویژگی‌هایی است که رئیس جدید دستگاه قضا از آنها برخوردار است. قوه قضاییه در فرآیند جدیدی که از زمان تصدی مسؤولیت این قوه از سوی حجت الاسلام رئیسی در پیش گرفت، زمینه اعتماد عمومی را فراهم کرد و از این جهت این سرمایه اجتماعی می‌توانست یاری رسان رئیس جدید قضا برای پیگیری عدالت و تسری آن و همچنین احقاق حقوق عامه و مبارزه با فساد باشد.

با توجه به فضای جدید اطمینان بخشی که در عرصه حیات اجتماعی مردم نسبت به دستگاه قضا به وجود آمده، انتظار و توقع عمومی این بود که مجموعه تحولات دستگاه قضایی با همان سرعت ادامه پیدا کند. از این جهت می‌تلبید شخصی که از تجارب و کارایی لازم برای تصدی ریاست قوه قضاییه برخوردار است این مسؤولیت را به عهده بگیرد. انتخاب حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای با توجه به شناخت فراوانی که وی نسبت به ساختار و سازوکار دستگاه قضایی داشت، نوید می‌داد تحولات دستگاه قضا با همان روند ادامه پیدا کند.

دستگاه قضایی در دوره جدید و بعد از ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، مجموعه‌ای از تغییرات و تحولات را به خود دید و این اتفاقات نشان داد محسنی اژه‌ای بسان سید ابراهیم رئیسی، سلف پیشین خود اهل توقف و اقدامات تکراری نیست و قصد دارد گام به گام زمینه کم کردن فاصله مردم را با دستگاه قضا فراهم آورد. بسط عدالت و پیگیری حقوق مردم همواره یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده و در طول چهار دهه گذشته تلاش‌های زیادی در حوزه قضاییه صورت گرفت تا عموم مردم بیش از گذشته عدالتخانه را ملجأ اصلی برای احقاق حقوق خود بدانند. با این وصف، وجود پاره‌ای از مشکلات و معضلات در حوزه قضایی و همچنین ناآشنایی مردم با مسائل حقوقی و همچنین طولانی بودن روند دادرسی‌ها باعث شد بخشی از مردم نسبت به پیگیری حقوق در دستگاه قضا امید کمتری داشته باشند. با این وصف روند اقداماتی که طی دو سال اخیر در قوه قضاییه در پیش گرفته شد، کم‌کم باعث تقویت اعتماد عمومی شد. رویکردهای جهادی، حرکت در مسیر قانون، مبارزه با فساد، برخورد با دانه درشت‌ها و نورچشمی‌ها، برخورد با متخلف خرد و کلان حتی از درون قوه قضاییه، برداشتن موانع موجود حقوقی برای راه اندازی مجدد کارخانه‌های ورشکسته و راکد، توجه بیشتر به حقوق عامه، جدیت در طرح تحول قضایی بر مبنای هفت مأموریت اصلی قوه‌قضاییه برگرفته از تکالیف تعیین شده در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام و تلاش مجدانه برای گسترش عدالت در جامعه از جمله ویژگی‌های مدیریتی قوه قضاییه در این دوره بود.



دشمن شریف

۲۷ آبان ۱۴۰۰ اردشیر زاهدی، وزیر خارجه پهلوی و داماد سابق محمدرضا شاه درگذشت. بیشتر مردم این روزها او را با اظهارات و گفته‌های جنجالی‌اش درباره وضعیت ایران و هواداران رژیم سلطنتی و اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌شناسند. اظهاراتی که با واکنش‌هایی مختلف در محافل سیاسی در داخل و خارج مواجه شد. او سال‌ها بود در شهر لوزان سوئیس گوشه خلوتی برای خود داشت و هر از گاهی در شبکه‌های تلویزیون خارج از کشور ظاهر می‌شد و در برابر سوالات جهت‌دار مصاحبه‌کنندگان، پاسخ‌هایی می‌داد که به مذاق بسیاری از شیفتگان سلطنت پهلوی خوش نمی‌آمد. او بارها از فعالیت جمهوری‌اسلامی ایران در عرصه سیاسی، نظامی و اقتصادی دفاع کرده و به واسطه توفیقاتی که کشور کسب کرده، به ایرانی بودن خود می‌بالید. زاهدی به شدت از تحریم‌های غرب به ویژه آمریکا انتقاد می‌کرد. او همچنین در مصاحبه‌های خود از عبارات تندى علیه سلطنت‌طلبان و براندازان استفاده می‌کرد. وی همچنین بعد از شهادت سردار قاسم سلیمانی در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی با اظهار تأسف از این اتفاق، عنوان کرد: قاسم سلیمانی سربازی وطن‌پرست، شرافتمند و بچه ایران بود و او را باید در رده چهره‌های برتر سیاسی و نظامی جهان توصیف کرد. جریان اپوزیسیون و هواداران سلطنت در خارج از کشور البته بعد از این اظهارات نسبت به زاهدی واکنش شدید نشان دادند و او را به پیروی از کارافتادگی و زوال عقل و خیانت نسبت به رژیم پهلوی متهم کردند و در مقابل برخی از جریان‌ات داخلی و چهره‌های سیاسی واکنش مثبت زاهدی به تحولات کشور را قابل تقدیر دانستند. در کارنامه زاهدی قبل از انقلاب البته نقاط سیاه و خاکستری و بعضاً روشنی هم وجود دارد. بسیاری او را یکی از مویدان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و سرنگونی مصدق می‌دانند و گروهی دیگر از پژوهشگران بر این باورند نحوه مدیریت اجرایی وی در زمان تصدی مقام وزارت خارجه و همچنین سفارت ایران در واشنگتن، چندان با رویه دیپلماتیک سازگار نبود. در عین حال همان‌ها بر مهارت او در چاره‌نهی و لابیگری اذعان کرده‌اند. در کنار این مساله، برخی دیپلمات‌های پیشین دوره شاه هم شهادت دادند زمانی که در زمان پهلوی دوم، بحرین به ثمن بخش فروخته شد، اردشیر زاهدی به واسطه این ناخردی به گریه افتاد. تلاش‌های او در همان دوران برای حفظ حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه و حریم سرزمینی کشور بر خلیج فارس هم شایسته تقدیر شناخته شد. در کنار همه این طیف‌های رنگارنگی که در کارنامه سیاسی و زندگی شخصی اردشیر زاهدی وجود دارد اما در یک ارزیابی کلی و فرای هرگونه نگاه ارزش‌گراییانه، او را باید یک وطن‌پرست دانست. تردیدی نیست او را نباید جزو مدافعان سیاسی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. به هر صورت چنانچه بارها از سوی او عنوان شد حتی تا اواخر عمر، نسبت به پهلوی اول و دوم ادای احترام داشت. او همچنین از هرگونه اظهار نظر درباره دولت و نظام جمهوری اسلامی خودداری می‌کرد و زمانی که عناصر سلطنت‌طلب او را به طرفداری از جمهوری‌اسلامی متهم می‌کرد، یادآور می‌شد زورگویی در قبال «ایران» را بر نمی‌تابد و برایش مهم نیست بگویند طرفدار کیست.



دارد و برخی از آنها ممکن است به شهر تل‌آویو در وسط اسرائیل برسند. گفت: موشک‌های ایران به اروپا نمی‌رسند اما این کشور طی پنج تا هفت سال گذشته منابع زیادی را در راستای افزایش برد و دقت موشک‌های خود به کار گرفت. کنت



ابوالفضل ظهروند

دیپلمات و کارشناس ارشد حوزه روابط بین‌الملل

سابقه دوستی من با دکتر علی باقری به سال‌های قبل برمی‌گردد.

در مجموع او را یک دیپلمات انقلابی می‌دانم. جهتگیری‌های او در عرصه سیاست خارجی مبتنی بر رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و همچنین براساس آموزه‌ها و بایسته‌های انقلاب اسلامی است. این یک ویژگی مهم برای سکاندار تیم مذاکره‌کننده ایران در وین محسوب می‌شود. چون در عالم سیاسی آنچه حوزه تهدیدات و فرصت‌ها را برای کشورها تعیین می‌کند جهتگیری‌های نمایندگان سیاسی است. از این رو، فرق علی باقری با دیگر چهره‌های سیاست خارجی این است که او در مواجهه با نمایندگان سیاسی دیگر کشورها کاملاً براساس منافع فعلی و خطوط قرمز نظام و تأکیدات رهبر انقلاب رفتار می‌کند. او در این دوره از مذاکرات میان ایران با دیگر کشورهای عضو برجام نشان داد نسبت به مواضع منطقی جمهوری اسلامی حاضر به عقب‌نشینی نیست. یکی از موضوعات و مسائلی که در دوره گذشته جای آن خالی بود، همین رویکرد انقلابی بود که با آمدن علی باقری پر شد. پایمردی‌ها و پافشاری او بر منافع ملی و شناخت درست تهدیدها و فرصت‌ها یک امتیاز برای این دیپلمات باتجربه جمهوری اسلامی است. تردیدی نیست که برجام محصول عملکرد دولت قبل است، ولی در عین حال حتی در صورت تغییر دولت‌ها، تعهدات آنها در عرصه بین‌المللی تغییر پیدا نمی‌کند. توافقی به نام برجام امضا شد که البته از نظر من به منزله یک خسارت محض است و میراث آن به دولت سیزدهم رسیده است. با

این وصف، ارزیابی من این است که با توجه به حضور علی باقری، مدیریت خوبی نسبت به این پرونده در جریان مذاکرات وین صورت گرفت. زمان به نفع تیم مذاکره‌کننده ما پیش رفت. نمایندگان سیاسی با صبوری و حوصله توپ را داخل زمین طرف‌های مقابل نگه داشتند و اجازه ندادند موضوعات غیرهسته‌ای و مطالبات غیرقانونی در مذاکرات وین جا و نقش پیدا کنند. در عین حال، روندها و تحولات سیاسی از جمله اتفاقاتی که در اوکراین شاهدیم به تیم مذاکره‌کننده ایران و آقای علی باقری کمک کرد. این نشان می‌دهد ایستادگی در برابر مخالفان همیشه نتیجه مطلوبی در پی خواهد داشت و البته خداوند هم مزد این ایستادگی را داد. او مسیر تیم قبلی مذاکره‌کننده قبلی را در پیش نگرفت. مسوولان سابق درباره موضوع برجام سراسیمه وارد مذاکرات شدند و عنوان کردند هر توافقی بهتر از عدم توافق است و حاصل کار رسیدن به توافقی شد که همان هم مصیبتی روی دیگر مصائب ملت وارد کرد. ایستادگی علی باقری روی دریافت تضمین بسیار مهم است. او خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران را در خصوص موضوعات مرتبط با برجام به صورت روشن و شفاف برای هم‌تایان خود در وین بیان و روی محورها هم پافشاری کرد.

این مقاومت حتماً نتیجه مطلوبی در پی دارد و الان هم شاهدیم روس‌ها هم عنوان کردند ما در حوزه روابط هسته‌ای، تضمین‌های لازم را از ایالات متحده گرفتیم. کلیات این روند مrehون رویکرد انقلابی علی باقری است. او فشارهای زیادی را به خاطر فضاسازی‌های رسانه‌ای تحمل کرد اما یکی دیگر از ویژگی‌های او این بود که بی‌توجه نسبت به این ناآشناژهای سیاسی، مسیر خود را طی کرد.



سال سیاه آتلانتیکی‌ها

سال ۱۴۰۰ در حالی سپری شده که طی یک‌سال اخیر، دورخاد مهم و تعیین‌کننده در سرنوشت پیمان آتلانتیک شمالی به‌وقوع پیوسته است؛ یکی خروج از افغانستان و دیگری وقوع جنگ اوکراین. ناتو بازیگر اصلی یا مخاطب این دو بحران محسوب می‌شود. سوال اصلی این است که وقوع این دو مساله چه تأثیری بر وضعیت این پیمان امنیتی جمعی در اردوگاه غرب خواهد گذشت؟ در سه ماه پایانی سال ۱۴۰۰ اصرار آمریکا، انگلیس و فرانسه بر گسترش ناتو به شرق و عضویت اوکراین در این مجموعه، بحران‌های مرزی پایدار میان مسکو و کی‌یف ایجاد کرد که نتیجه



حنیف غفاری

روزنامه‌نگار

آن چیزی جز وقوع جنگی سخت نبود. ریشه این جنگ به مداخله‌گرایی غرب از ابتدای سال ۲۰۰۴ میلادی (زمان وقوع انقلاب نارنجی) در اوکراین بازمی‌گشت. در آن زمان آمریکا و اتحادیه اروپا دولت اوکراین را به تقلب در انتخابات متهم کرده و با تحریک اوکراینی‌ها و هدایت آنها به سوی خیابان‌ها در قالب اعتراضات جمعی، انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور را ابطال کردند. در نتیجه این موضوع، ویکتور یوشچنکو با تمایلاتی غرب‌گرایانه جایگزین نامزد پیروز یعنی یانوکویچ (متماثل به روسیه) شد. این کشمکش‌ها در کی‌یف ادامه داشت و سال ۲۰۱۴ میلادی و در دورانی که یانوکویچ این بار قدرت را در کی‌یف در دست گرفته بود، بار دیگر آمریکا و اتحادیه اروپا دور جدیدی از ناآرامی‌ها را در کی‌یف و خارکف آغاز کردند. اعتراضات عمومی و زده و خورده‌های خیابانی به سقوط دولت مستقر در اوکراین و ظهور دوباره غریب‌گرایان در مسند قدرت منجر شد. یوشچنکو(ملقب به سلطان شکلات) و ژلنسکی(کم‌دین مشهور اوکراینی) به ترتیب با حمایت غرب سرکار آمدند و عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا راورد زبان خود کردند. چنانچه مشاهده می‌کنیم در مجموع ۱۸ سال از سال ۲۰۰۴ میلادی (زمان انقلاب نارنجی) سپری شده و در این مدت اوکراین نه‌تنها به عضویت پیمان آتلانتیک شمالی، بلکه به عضویت اتحادیه اروپا نیز درنبره‌ایده است! اکنون جنگ اوکراین در حالی ادامه دارد که اعضای ناتو(با وجود وعده‌های پنهانی و آشکار خود به ژلنسکی) از ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز این کشور نیز خودداری می‌کنند. درحال حاضر غرب در بهترین حالت ممکن از اوکراین به عنوان «شریک‌بااولیت» یادکرده و حتی جهت مجاب‌کردن غریب‌گرایان باقیمانده در کی‌یف مبنی بر استمرار بازی در زمین آمریکا و اروپا، تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال می‌کند اما حاضر نیست در معادلات نظامی نبرد ورود مستقیمی داشته باشد. بی‌لیل نیست که ژلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین بارها نسبت به حمایت‌های غرب از کشورش در این برهه سخت ابراز ناامیدی کرده است. بدون شک در پایان جنگ هر نتیجه‌ای حاصل شود، اوکراین برنده میدان نخواهد بود. کی‌یف ناچار است برای توقف نبرد امتیازاتی را به مسکو بدهد و از سوی دیگر با عواقب و آثار اقتصادی ناشی از وقوع جنگ در اوکراین روبه‌رو شود. مواجهه با این وضعیت و مدیریت آن، برای کی‌یف شدیداً دشوار خواهد بود. فارغ از وقایع تلخی که در جنگ اوکراین رخ می‌دهد و مایه‌تأسف است، امروز غریب‌گرایان اوکراین بیش از هر زمان دیگری نتیجه ده‌دهه بازی مستمر خود در زمین غرب را مشاهده می‌کنند؛ نتیجه‌ای خونین و تلخ که محصول اعتماد به وعده‌های آمریکا و اتحادیه اروپا بوده است. بسیاری از تحلیل‌گران و مخاطبان تحولات افغانستان معتقدند که ترک خاک افغانستان توسط نیروهای آمریکایی و اعضای ناتو مصداق خروج از این کشور نبوده و نوعی فرار محسوب می‌شود. گرچه این روزها اکثریت قریب به اتفاق رسانه‌های بین‌المللی، واشنگتن و دولت‌های دموکرات و جمهوریخواه در کاخ سفید را مقصر و نماد اصلی شکست در افغانستان قلمداد می‌کنند اما در این معادله نمی‌توان به‌راحتی از کنار نام «ناتو» گذشت.